

واکاوی ابعاد فقهی استفاده از ابزارهای آشکارساز زبان بدن

در بازجویی اطلاعاتی

● محمدحسین علیپور ●

استادیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

چکیده

امروزه ابزارهای فناورانه تحولی شگرف در کشف حقیقت در بازجویی‌های اطلاعاتی ایجاد کرده که نقشی اساسی در جلوگیری از روش‌های مخالف با حقوق متهم ایفا می‌کند. از جمله این ابزارها، آشکارسازهای زبان بدن است که با ثبت دقیق بازخوردهای فیزیولوژیکی بدن متهم در مواجهه با سؤالات اتهام و تحلیل آنها، حقیقت‌جویی یا تلاش وی برای کتمان حقیقت را کشف می‌کند. پژوهش حاضر با تحلیل انواع این ابزارها در تلاش است به این سؤال پاسخ دهد که «استفاده از ابزارهای آشکارساز زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی چه ابعاد فقهی دارد؟» پژوهش توصیفی تحلیلی است، از حیث رویکرد، استقرائی و به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای قرار دارد. روش تحلیل فقهی، تفقه موضوعی یا توحیدی (فقه نظام‌ساز) می‌باشد گرچه از نتایج رویکردهای تفقه تجزیه‌ای نیز بهره برده است. نتایج در مواجهه با چالش‌های فقهی متصور، حاکی از آن است که استخدام ابزارهای مذکور در صورت رعایت شروط فقهی از جمله تدارک شرایط شخصی متهم، جامعیت سؤال‌ها، وضوح نمودارها و احراز صلاحیت و خبرگی کارشناس سامانه، دارای دو اثر تضییعی و توسعه‌ای در احکام فقهی مرتبط با بازجویی است. در حوزه تضییق، محدودیت در حیطه جواز زیرپاکشی، محدودیت قلمرو ورود در حریم خصوصی در جمع‌آوری پنهان، محدودیت قلمرو قاعده «إقرار العقلاء علی أنفسهم جائز» و محدودیت در مدت زمان و تکرار بازجویی از مهم‌ترین ابعاد می‌باشد درحالی‌که در حوزه توسعه‌ای، اضافه شدن منبعی جهت تکمیل علم قاضی، اعتباربخشی به اقرار در بازداشت و تمدید مدت بازداشت برای اخذ اقرار مهم‌ترین ابعاد قابل احصا با رویکرد فقهی می‌باشد.

کلید واژگان: بازجویی، آشکارساز زبان بدن، فقه اطلاعاتی، اطلاعات و امنیت، جرائم امنیتی.

بازجویی از اصلی‌ترین مراحل فعالیت اطلاعاتی است که با محوریت کشف داده‌های جدید و اخذ اقرار از متهم در فرآیند رسیدگی به جرائم امنیتی اجرا می‌شود. در فرآیندهای دادرسی جرائم علیه امنیت، مستندات تجمیع شده در صورت انضمام به اظهارات و اقرار فرد در بازجویی، منتج به صدور حکم نهایی می‌شود چرا که اقرار از محکم‌ترین ادله اثبات جرم است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۵). لذا بازجویی و نتایج حاصل از آن نقشی کلیدی در دادرسی جرائم امنیتی دارد. با رشد علم و فناوری، بازجویی از تکنیک‌ها و روش‌های سنتی به مرور زمان به سمت الگوهای علمی‌تر و نتایج متقن‌تر سوق پیدا کرده (Johnson, 2019 80) و بر همین اساس مسائل مستحدثه جهت بررسی فقهی در این زمینه مطرح شده است. بسیاری از تکنیک‌ها و قالب‌های جدید بازجویی تناسبی با مبانی، نظام و مکتب اطلاعاتی امنیتی اسلام نداشته و به همین دلیل از فرآیندهای بازجویی در دستگاه‌های اطلاعاتی ایران اسلامی حذف می‌شوند و برخی دیگر با بررسی فقهی، در برخی شرایط خاص یا با تدارک شروطی خاص قابلیت بهره‌برداری پیدا می‌کند. از جمله روش‌های جدید و در حال استفاده در بازجویی در دنیا، آشکارسازی زبان بدن است که نقشی بی‌بدیل در ارتقای اتقان نتایج بازجویی دارد. برخی از این روش‌ها غیر وابسته به ابزار و برخی دیگر ابزارمحور می‌باشد و پر واضح است دقت و اتقان نتایج ابزارها در این زمینه بیشتر می‌باشد. (Raid, 1947 530)

این ابزارها با سنجش و ثبت دقیق تغییرات فیزیولوژیکی بدن متهم در مواجهه با تغییرات روانی ناشی از سؤالات بازجویی، نمودارهایی قابل تحلیل ارائه می‌نماید سپس کاربر سامانه‌های آشکارساز زبان بدن مبتنی بر الگوریتم‌های از پیش تعیین شده، انگیزه‌های مختلف از جمله قصد فریب، دروغ‌گویی، کتمان حقیقت یا صداقت و همراهی را تحلیل و کشف می‌نماید (سلیمی و گلدوست، ۱۴۰۱: ۲۰۴). بسته به نوع سنسورها، دقت آزمایش، عضو مورد هدف سنجش و ... ابزارهای متعددی برای آشکارسازی زبان بدن ساخته شده که رایج‌ترین آنها، پلی‌گراف، تحلیل‌گر فشار صدا، تصویربرداری حرارتی، پردازش نوار مغزی، و تحلیل عملکرد مغزی است. پژوهش حاضر قصد دارد پس از موضوع‌شناسی دقیق این ابزارها، استفاده از آنها در بازجویی‌های اطلاعاتی را مبتنی بر فقه اسلامی مورد تحلیل قرار داده و ابعاد فقهی این موضوع را مورد واکاوی قرار دهد. به منظور بهره‌مندی از این ابزارها باید به این سؤال پاسخ داده شود که به لحاظ فقهی در چه ابعادی استفاده

از این ابزارها کارساز و در چه ابعادی ناکارآمد است و شرایط بهره‌مندی از نتایج آن به لحاظ فقهی چیست؟ بر این اساس پژوهش حاضر تلاشی در راستای انطباق حداکثری بازجویی‌های اطلاعاتی با اصول و قواعد فقه اسلامی است.

پیشینه پژوهش

به منظور بررسی پیشینه این تحقیق با جست‌وجوی کلیدواژه‌های مرتبط از جمله دروغ‌سنجی، پلی‌گراف، فقه بازجویی، مصاحبه اطلاعاتی، بازجویی و ... و بررسی عناوین و سپس چکیده آثار، محصولاتی که به‌طور همزمان به ابعاد فقهی یا حقوقی ابزارهای آشکارساز زبان بدن پرداخته بودند در جدول ۱ ذکر شد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسندگان	عنوان	اهداف و یا سؤالات اصلی
صاحبان احمدی، جعفر و مسعود حیدری (۱۳۹۹)	جایگاه فقهی حقوقی فناوری دروغ‌سنج در کشف جرائم امنیتی	منابع حقوقی و فقهی اسلامی تا چه حدودی فناوری دروغ‌سنج را برمی‌تابد؟
سلیمی، میررضا و رجب گلدوست جویباری (۱۴۰۱)	دروغ‌سنجی و حقوق متهم	به موازات ادله سنتی، استفاده از ادله جدید کشف حقیقت به‌خصوص پلی‌گراف در زمینه ادله اثبات دعاوی کیفری، می‌تواند در حصول قناعت مقام قضایی و اتخاذ تصمیم عادلانه مؤثر باشد؟ آیا این موضوع با حقوق متهم در تعارض نیست؟
سلیمی، میررضا و رجب گلدوست جویباری (۱۴۰۰)	جایگاه پلی‌گرافی در نظام ادله کیفری ایران	اصلاحات لازم در قوانین نظام کیفری ایران برای استفاده از نتایج پلی‌گراف چیست؟
فلاحتی، احمد و امیرعباس بزرگمهر (۱۳۹۹)	بایسته‌های نوین علمی بازجویی و تحقیق در قلمرو ادله اثبات حقیقت	هدف پژوهش این است که اعتبار نتایج حاصل از روش‌های جدید کشف حقیقت، به‌عنوان دلیل اثبات در دادگاه بررسی شود.

پژوهش حاضر به بررسی محدودیت‌های فنی استفاده از روش FMRI برای کشف دروغ مبتنی بر حقوق عصب‌شناختی پرداخته است.	مرور اجمالی محدودیت‌های فنی کاربرد روش دروغ‌سنج fMRI در حقوق عصب‌شناختی	پنتف، آرین (۱۳۹۸)
استفاده از ابزارهای کشف دروغ به منظور دستیابی به اطلاعات محرمانه و زوایای پنهان شخصیت فرد مداخله غیر مشروع در حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود؟	فناوری دروغ‌سنجی؛ تهدیدی علیه حریم خصوصی	آقابابایی، حسین و زهرا احمدی ناطور (۱۳۹۱)
بررسی روش‌ها و راه‌کارهایی برای فهم دروغ متهم از طریق تحلیل زبان بدن وی مورد هدف این پژوهش بوده است.	کشف دروغ در مصاحبه و بازجویی از طریق رفتار غیرکلامی	بیابانی، غلامحسین و علی فریدخو (۱۳۸۸)

غالب مقالات مذکور به لحاظ موضوعی محدود به پلی‌گراف یا دستگاه دروغ‌سنجش می‌باشند درحالی‌که در این پژوهش موضوع را به سطح ابزارهای آشکارساز زبان بدن توسعه داده‌ایم. ازسویی دیگر این پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند جایگاه استفاده از این دستگاه در نظام حقوقی را به اثبات برسانند و بیان کنند که استفاده از این ابزار چه فوایدی می‌تواند برای نظام حقوقی یک کشور داشته باشد و در اکثر موارد به‌طور یقینی استفاده از آن در جرائم امنیتی را لازم دانسته است درحالی‌که جزئیات و نحوه تأثیر این امر بر سایر ابعاد فعالیت اطلاعاتی به‌خصوص بازجویی که مرتبط‌ترین حوزه به بهره‌برداری اطلاعاتی از این ابزار می‌باشد مغفول واقع شده است. بررسی تعارضات استفاده از این ابزار با حقوق متهم از جمله حق سکوت، حریم خصوصی و کرامت انسانی، غلبه رویکرد حاکم بر پژوهش‌ها می‌باشد. علاوه بر آن ضعف در تحلیل ابعاد و آثار آن از منظر نیازهای اطلاعاتی امنیتی کشور خلأ پژوهش‌های پیشین می‌باشد. به همین دلیل معدود مقالاتی که با رویکرد فقهی تنظیم شده نیز تمرکز خود را بر جواز یا عدم جواز استفاده از ابزارهای مذکور متمرکز کرده درحالی‌که بهره‌مندی از نتایج ابزارها در نظام اطلاعاتی نیازمند تحلیل دقیق و کاربردی ابعاد اجرای آن می‌باشد. بر این اساس نوآوری مقاله حاضر در این است که با نگاهی نظام‌مند به فقه امامیه، ابعاد فقهی استخدام این ابزار را بررسی کرده و حیطه و حدود استخدام و ابعاد و زوایای آن را با رویکرد فقهی تحلیل نموده است.

مبانی نظری

ابزارهای آشکارساز زبان بدن

بر خلاف تصور رایج، دستگاه پلی گراف گرچه پرکاربردترین ولی صرفاً یکی از چندین ابزار و روشی است که برای آشکار کردن زبان بدن استفاده می‌شود لذا در مقام موضوع‌شناسی دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن مورد نظر است که یکی از اقسام آن دستگاه پلی گراف (چندرسم) نیز می‌باشد. گرچه از پلی گراف و سایر آشکارسازها برای کشف دروغ یا صحت کلام فرد می‌توان استفاده کرد ولی کارایی این دستگاه‌ها در موضوعاتی فراتر از کشف دروغ از جمله سازمان‌های مجری قانون، انجمن‌های قانونی برای حمایت از تحقیقات پزشکی، استخدام افراد در بخش‌های خصوصی و ... تعریف شده است ((Raid, 1947 530)). در بسیاری از این موارد علاوه بر سنجش صحت و کذب پاسخ مخاطب، اتقان، تسلط و عدم استرس فرد نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد. الگوی عملکرد دستگاه سنجش هیجان است که البته می‌تواند حاکی از دروغ یا کتمان حقیقت نیز باشد. (Lacono, 2001 89) لذا تعبیر از این دستگاه‌ها به دروغ سنج خطایی مصطلح محسوب می‌شود. یکی دانستن پلی گراف و دروغ‌سنج در مقام موضوع‌شناسی، بسیاری از احکام و قواعد فقهی حقوقی را می‌تواند دچار تغییرات یا خطا نماید. چرا که در اسلام اصل بر صحت است و تا زمانی که این اصل باقی است مجوزی برای اتهام فساد از جمله دروغ و سنجش آن در فرد وجود ندارد اما با تغییر موضوع از دروغ سنجی به کشف حقیقت، اجرای آزمایش صرفاً برای ثبت بازخورد فیزیکی فرد نه لزوماً سنجش دروغ وی محسوب شده و می‌تواند در مقام بیّنه نسبت به خلاف اصالة الصحة قرار گرفته و در این صورت حکم اولی بر جواز داشته و در مقام بیّنه بر اصالة الصحة مقدم می‌شود. (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

حالت‌های روحی از جمله خشم، خوشحالی، امید، ناامیدی، دروغ، خیانت، قصد سوء و ... معمولاً دارای آثار فیزیکی و جسمی بر روی افراد است که از ارتباط جسم و روان نشأت گرفته و به نحوی است که عموم مردم نیز با دیدن برخی علائم فیزیکی همچون سرخ شدن رنگ پوست، لرزش دست، گرد شدن چشم و ... پی به وجود آن حالت روحی می‌برند. موضوعی که در طب سنتی (باب اعراض نفسانیه) معتبر شمرده شده و بر آن اساس تشخیص‌ها یا تجویزها را بنا نهاده‌اند (عقیلی خراسانی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۳۶).

به عبارتی دیگر بدن انسان دارای زبانی اختصاصی است که به آن وسیله حالت‌های روحی و درونی فرد را حکایت می‌کند. الگوی این زبان به طریقی است که با به وجود آمدن محرک خارجی و ادراک آن توسط سیستم عصبی انسان، تغییرات شناختی در فرد به وجود می‌آید. این تغییرات به مغز مخا‌بره شده و منجر به ایجاد هیجان در فرد شده و در نتیجه آن به منظور پاسخ‌گویی صحیح به حالت ادراک شده، برخی تغییرات فیزیولوژیکی از جمله تحریک غده هیپوفیز، ترشح هرمون، ترشح آدرنالین، افزایش ضربان قلب، افزایش تنفس، افزایش تعرق پوست، مختل شدن دستگاه گوارش، تحریک تارهای صوتی، غلظت بزاق دهان، افزایش تشنگی و ... در وی ایجاد می‌گردد. هرچه حالت‌های روحی شدیدتر، علائم نیز آشکارتر می‌شود لذا آن‌گاه که فرد مرتکب جرم امنیتی شده و در فرآیند بازجویی قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند با دروغ گفتن حقایق را کتمان کند، علائم آشکارتری توسط بدن وی نشان داده می‌شود (سلیمی و گلدوست، ۱۴۰۱: ۲۰۴).

برخی علائم به دلیل وضوح و همچنین سادگی الگوریتم، برای تحلیل نیازمند ابزار نمی‌باشد. به عنوان مثال در تحلیل زبان بدن یا تحلیل دست‌نوشته علاوه بر اینکه معمولاً علائم با چشم غیر مسلح قابل رؤیت است، تحلیل آنها نیز الگوریتم پیچیده‌ای ندارد که از عهده ذهن انسان بر نیاید لذا ابزار محور نیست. اما در پلی‌گراف، ثبت بازخورد GSR جز با ابزار امکان‌پذیر نیست و هیچ چشم یا سایر حواس غیر مسلح نمی‌تواند این تغییرات را ثبت کند. با رشد علم و تکنولوژی، ابزارهایی برای شناسایی علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی جسم انسان با دقت و حساسیت بسیار بالا تولید شده که می‌تواند با دقتی فراتر از مشاهده عادی، معانی این علائم را تبیین کند. این ابزارها به مطالعه فرآیندهای روان‌شناختی به وسیله تغییرات قابل سنجش در عملکردهای فیزیولوژیکی می‌پردازد (Johnson, 2019: 80). فرآیند عملکرد این ابزارها عبارت است از ثبت یا ترسیم فنومن‌های روانی و فیزیولوژیکی بدن انسان که به هنگام عارض شدن حالت‌های روحی مثل دروغ، صداقت، قصد سوء و ... به وجود می‌آید (Nagle, 1983: 718). نکته قابل ملاحظه اینکه علائم مذکور در بیشتر موارد به صورت غیر ارادی و غیر اختیاری است و امکان کنترل یا مخفی کردن آنها توسط فرد وجود ندارد مگر در برخی افراد که آموزش‌های ضد پلی‌گراف را گذرانده و توانایی کنترل غیر معمول علائم حیاتی خود را پیدا کرده باشند.

بر این اساس در مجموع می‌توان موارد زیر را به عنوان آشکارسازهای زبان بدن بر اساس نوع ابزار، دقت، ترکیب سنسورها، عضو مورد هدف و ... احصا نمود. (جدول ۲)

جدول ۲: ابزارهای آشکارساز زبان بدن

عنوان	روش اجرا	توضیح	منبع تحلیل (عضو هدف)
تحلیل زبان بدن ^۱	تکنیکی تحلیلی	ترجمه پیام و محتوای رفتارهای غیر کلامی و فیزیکی فرد	رفتار غیر کلامی
تحلیل دست‌نوشته ^۲	تکنیکی تحلیلی	کشف شخصیت و ویژگی‌های افراد بر اساس چگونگی نوشتن	دست‌نوشته
پلی گراف ^۳	ابزارمحور	ثبت علائم حیاتی (ضربان، تنفس، دما و ...) با محوریت سنجش تغییرات مقاومت الکتریکی پوست (GSR) و مقایسه آنها در قالب نمودار	انگشتان (دست یا پا)
تحلیل گر فشار صدا ^۴	ابزارمحور	اندازه‌گیری تنش و لرزش صدای افراد هنگام پاسخ‌گویی	صوت و حنجره
تصویربرداری حرارتی ^۵	ابزارمحور	تشخیص دمای اعضا به خصوص صورت و تبدیل آن به تصویر توزیع دما به منظور تشخیص حالت‌های درونی	صورت
پردازش نوار مغزی ^۶	ابزارمحور	بررسی بارهای الکتریکی ریزبخش‌های مختلف مغز و تبدیل آنها به نوار	مغز
تحلیل عملکرد مغزی ^۷	ابزارمحور	ثبت تغییرات جریان خونی در مغز به لحاظ فیزیولوژیکی در قالب تصاویر متناوب	مغز

1. . Body language analysis
2. . Graphology
3. . Polygraph
4. . voice stress analyzer
5. . Thermal imaging
6. . Electroencephalography (EEG)
7. . Functional magnetic resonance imaging (FMRI)

مصاحبه و بازجویی اطلاعاتی

از جمله اقدام‌های تحقیقی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به یک موضوع اطلاعاتی، مصاحبه و بازجویی است. مصاحبه در لغت به معنای گفت‌وگو کردن و هم‌صحبت شدن است (دهخدا، ۱۳۷۷: مصاحبه) اما در عرصه اطلاعاتی به معنای دعوت از فرد یا گروه به منظور پرسش حضوری یا غیر حضوری، کتبی یا شفاهی در مورد مسئله‌ای امنیتی است. اگر خبری درباره تخلف یا مسئله امنیتی واصل شد شرعاً اشکالی ندارد بلکه لازم است اطراف خبر تحقیق شود یا اگر اتفاق حادی به وجود نمی‌آید درباره صحت و سقم خبر از خود سوژه مصاحبه انجام پذیرد (عابدی، ۱۴۰۲: ۱۰۰). انجام مصاحبه اطلاعاتی بر اساس ماده ۱۰ قانون تأسیس وزارت اطلاعات و رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۳۳۶ تاریخ ۱۳۸۳/۰۷/۱۹ از جمله ابزارهای جمع‌آوری برای دستگاه‌های اطلاعاتی تعریف شده است. اما بازجویی قالبی متفاوت از مصاحبه برای به دست آوردن اطلاعات جدید در مورد پرونده است. بازجویی در لغت به معنای استفسار (طلب تفسیر)، تفتیش، و استنطاق (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۶۱) بوده و در عربی معاصر استجواب را معادل آن دانسته‌اند که به معنای به حرف درآوردن (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۱۱) می‌باشد یعنی بازجو می‌خواهد متهمی را که حرف نمی‌زند به حرف آورد. بر این اساس بازجو کسی است که مأموریت پیدا می‌کند از کسی در مورد امری یا اتهامی، تحقیق و واریسی کند یا از روی اسناد، راستی و ناراستی کاری را معین کند (دهخدا، ۱۳۷۷: بازجو). لذا در اصطلاح اطلاعاتی، بازجویی حاضر کردن متهم در موقعیت خاص برای تحقیق راجع به مورد اتهام از طرف مأمور صلاحیت‌دار قضایی است (عابدی، ۱۴۰۱: ۹۹) که می‌توان از آن تعبیر به کشف حقیقت نمود به همین دلیل نتایجی که با زور یا اجبار در فرآیند بازجویی به دست آمده اعتباری ندارد چرا که لزوماً حاکی از حقیقت نیست (فلاحتی و بزرگمهر، ۱۳۹۹: ۱۷۰).

جدول ۳: نقش ابزارهای آشکار زبان بدن در فعالیت‌های رایج اطلاعاتی

عنوان	مخاطب	ابزار ^۱	شرایط اجرا	اجازه مخاطب
مصاحبه اطلاعاتی	منابع - متهم	تحلیل زبان بدن تحلیل دست‌نوشته	بدون نیاز به اتصال سنسور	موافقت ضمنی
گزینش اطلاعاتی	منابع - کارکنان	تحلیل زبان بدن تحلیل گر فشار صدا تصویربرداری حرارتی پردازش نوار مغزی	غالباً بدون نیاز به اتصال سنسور	موافقت ضمنی
بازجویی اطلاعاتی	متهم	پلی‌گراف تحلیل عملکرد مغزی	نیازمند اتصال سنسور	نیازمند اخذ موافقت کتبی یا شفاهی

با تحلیل جدول ۳ مشخص می‌شود که آنچه نیازمند بحث و بررسی است صرفاً قسم سوم یعنی «بازجویی اطلاعاتی» می‌باشد. چرا که در دو قسم دیگر اولاً به دلیل اختیار فرد برای حضور در محیط اطلاعاتی، به صورت ضمنی اذن اجرای برخی آزمایش‌ها مشروط به عدم وجود خطر یا ضرر عرفی، وجود دارد و ثانیاً اغلب موارد در این دو قسم نیازمند اتصال سنسورهای دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن نیستیم و همین امر امکان اجرا و تحلیل نتایج را بدون نیاز به اخذ اذن کتبی یا شفاهی از فرد فراهم می‌کند.

جرایم امنیتی

بر اساس تعاریف امنیت که اشاره به اهداف و ارزش‌های حیاتی جامعه داشته (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۱۹) و رهایی از تهدیدات را مسئله اصلی امنیت می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳) و حاکی از جایگاه ویژه آن در نظام اجتماعی است، جرم امنیتی یا جرائم علیه امنیت توسط قانون‌گذار برای بیان آن دسته از جرائمی که مستقیماً منافع و مصالح ملی، تمامیت ملی، تمامیت ارضی و موقعیت سیاسی حکومت را در داخل و یا خارج کشور به مخاطره می‌اندازد، مورد استعمال قرار گرفته است (ولیدی، ۱۳۸۴: ۳). این نوع جرائم در اکثر موارد به صورت جمعی و نظام‌مند و با تبانی، تحریک و مساعدت قدرت‌های

۱. همه ابزارهای آشکارساز زبان بدن قابلیت ذاتی و کارایی لازم برای استفاده در تمام انواع بازجویی، مصاحبه یا گزینش را دارا هستند اما بنابر شرایط و هدف، غلبه استفاده از برخی از ابزارها در هر قالب بیشتر یا کمتر میشود.

بیگانه و دول خارجی به منظور برهم زدن منافع ملی، امنیت، استقلال و تمامیت ارضی یک کشور و ضدیت با سران حکومت و براندازی نظام حاکم واقع می‌شود. (سالاری‌شهریابکی، ۱۳۸۷: ۴۲) از آنجایی که این دسته از جرائم به‌طور مستقیم منافع و مصالح اساسی جامعه را به مخاطره می‌اندازد، در مقایسه با جرائم عادی، نه تنها دارای کیفر شدیدتری است بلکه روند کشف و رسیدگی آن با جرائم عادی تفاوت دارد.

با وجود تمام تفاوت‌ها بین مکاتب مختلف امنیتی، آنگاه که فعل یا ترک فعلی به‌عنوان جرم امنیتی جرم‌انگاری شود، برخورد با آن به لحاظ حقوقی دارای ویژگی‌های مشترکی خواهد شد که از جمله آنها: عدول از اصل سرزمینی بودن (قانون مجازات اسلامی، ماده ۵)^۱، جرم تلقی شدن اعمال مقدماتی (قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۱۰، ۵۱۵ و ۵۱۶)^۲، تضییق قلمرو اکراه (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۲۰ و ۲۱۸)^۳، تشدید کیفر و توسعه قلمرو ضرورت در استفاده از ابزارهای کشف جرم^۴ (علیپور، ۱۴۰۳: ۲۸) می‌باشد.

تحقیقات و ادله در جرائم امنیتی

به‌طور کلی تحقیقات و ادله جرائم کیفری (که جرائم علیه امنیت در زمره آن قرار می‌گیرد) سخت‌گیرانه‌تر و دارای حساسیت بیشتری در مقایسه با تحقیقات و ادله دعاوی حقوقی است. غایت و هدف تحقیقات و ادله، کشف حقیقت است و محوریت این کشف، قاضی است به‌عبارتی دیگر تمام مراحل تحقیقات، انواع ادله، نظرات خبرگان، آزمایش‌های مختلف و ... طریقت داشته و آنچه موضوعیت دارد تکمیل علم قاضی است. قاضی موظف به جمع‌آوری همه انواع دلایل ممکن است و در تجمیع امارات و ادله هیچ محدودیتی ندارد اما ملزم به حکم بر اساس نتایج هیچ‌یک از امارات یا نظرات خبرگان به تنهایی نیست بلکه باید تمام این نتایج را با قرائن و شواهد مختلف در یک بستر مد نظر قرار داده و پس از حصول علم، نتیجه‌گیری کند (سهرابی، ۱۳۸۸: ۳۰). علم قاضی صرف سلیقه یا برداشت شخصی نیست بلکه در فقه اسلامی ملجأ و معیاری برای رعایت حقوق متهم

۱. قوانین کیفری هر کشور محدود به قلمرو همان سرزمین است ولی این امر در زمینه جرائم امنیتی به لحاظ میزان مخاطرات ناشی از این جرائم نادیده انگاشته می‌شود.
۲. اصل بر این است که اعمال مقدماتی جرم نبوده و قابل مجازات نیست در صورتی که این اصل در جرائم امنیتی به دلیل شدت و گستره خطر این جرائم لحاظ نشده است.
۳. در این نوع از جرائم، قلمرو تحقق اکراه به منظور رفع تحقق مسئولیت کیفری نسبت به جرائم عادی محدودتر است.
۴. به طور خاص اجازه ورود به حریم خصوصی افراد برای کشف جرائم امنیتی و عدم اجازه در سایر جرائم.

محسوب شده که با مبنا قرار گرفتن قواعد و اصولی از جمله براءت، منع ورود در حریم خصوصی، قاعده تسلیط، عدالت و ... به تمیز مجرم از بی گناه می پردازد (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۷: ۲۴). بر این اساس گرچه ادله‌ای از جمله قسامه و یمین نیز در دعاوی حقوقی مورد توجه قاضی است ولی از آنجایی که این ادله طریقی برای کشف واقع محسوب نشده و غالباً به عنوان راهی برای خاتمه دعاوی مورد استفاده قرار می گیرد، در جرائم امنیتی از کارایی چندانی برخوردار نبوده و بیشترین ادله مورد استفاده شامل اقرار، بیینه و شهادت می باشد:

الاقرار (اقرار)

آدمی بنا به ذائقه خودپرستی و خودخواهی میل دارد آنچه را به سود خود می داند، جلب کند و هر چه را به زیان می داند، دفع کند (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۶۰). به همین دلیل در صورتی که فردی ضمن سلامت عقلی، علیه خود اقراری داشته باشد به عنوان یکی از محکم ترین ادله برای اثبات جرم محسوب می شود که تحت عنوان قاعده «إقرار العقلاء علی أنفسهم جائز» مطرح شده است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۵). از آنجایی که در جرائم امنیتی، مجازات شدیدتر و سخت تر است و گرایش ذاتی مجرم به کتمان حقیقت بیشتر از سایر جرائم است، اگر فردی در بازجویی ها اقرار به ارتکاب جرم نماید، به عنوان یکی از مهم ترین ادله اثبات جرم امنیتی مورد استناد قرار می گیرد (محقق داماد، ۱۳۹۶، ج ۴: ۳).

البینة (امارات)

مقصود از امارات هر نوع نشانه‌ای بر شرایط و ابعاد وقوع جرم است. این امارات می تواند در قالب اسناد مکتوب، صوت، تصویر، علائم محیطی، آثار به جا مانده و ... باشد. (سعدی، ۱۴۰۲: ۱ج: بیینه) طبق ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی «اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود». لذا در یک تقسیم بندی کلی، در حقوق کیفری امارات به دو دسته قانونی و آزاد تقسیم می شود. امارات قانونی مواردی است که قانون صراحتاً آنها را دلیل بر امری قرار داده است ولی امارات آزاد آنهایی است که بنا بر نظر قاضی دلیل بر اثبات امری شناخته می شود و برای وی علم آور است (دیانی، ۱۳۸۶: ۷).

شهادت

این نوع از ادله نسبت به دو قسم دیگر از کارایی کمتری در جرائم امنیتی برخوردار است و بیشتر به‌عنوان ابزاری برای رساندن متهم به مرحله اقرار مورد استفاده قرار می‌گیرد اما به خودی خود نیز در شرایطی که از سوی منابع اطلاعاتی صادر شده باشد دارای اعتبار می‌باشد. شهادت در واقع انتقال امری از ناحیه فردی که آن را دیده یا شنیده به فردی است که آن را ندیده و نشنیده است (ساریخانی و حیدری، ۱۳۹۲: ۹۰). بنابراین گزارش‌های اطلاعاتی و اسناد حاصل از تعقیب و مراقبت می‌تواند در این قسم قرار گیرد. حساسیت موضوعات امنیتی باعث شده در فقه، شهادت بر شهادت معتبر دانسته نشده و انضمام آن به سایر ادله لازمه تحصیل علم برای قاضی محسوب شود. (حر عاملی، ۱۴۱۶، جلد ۲۷: ۴۰۴)

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر اساس روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است به این طریق که ابزارهای آشکارساز زبان بدن توصیف شده و پس از تبیین متغیرها شامل مصاحبه و بازجویی اطلاعاتی، کارکرد ابزارها در کشف جرائم امنیتی و بازجویی اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفت. سپس در یک فرآیند تحلیلی یافته‌های توصیفی مذکور مورد بررسی فقهی قرار گرفته و ابعاد فقهی استفاده از این ابزارها در عرصه بازجویی اطلاعاتی مورد واکاوی فقهی قرار گرفت. تلاش شده تا ضمن بهره‌مندی از نتایج تفقه تجزیه‌ای، رویکرد اتخاذ شده در تحلیل‌های فقهی، مبتنی بر رویکرد تفقه موضوعی یا توحیدی (فقه نظام‌ساز) باشد. (صدر، ۱۳۸۸: ۱۱۵) و به جای تلاش برای اثبات حکم شرعی جواز یا عدم جواز استخدام، چارچوب یا شاکله‌ای ناظر به استفاده از ابزارهای آشکارساز زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی استخراج و ارائه گردد. در این راستا مراحل ذیل سپری شده است:

۱. مکتب اطلاعاتی اسلام به‌عنوان رویکرد حاکم بر پژوهش مبنا قرار گرفت. اجزای این مکتب در مقاله «ارائه الگوی نظام مطلوب امنیت در حکومت اسلامی» توسط نگارنده تبیین شده است (شادمان فر و علیپور، ۱۴۰۲: ۲۸).

۲. موضوع‌شناسی دقیق عملکرد ابزارهای آشکارساز زبان بدن و توصیف نقش آنها در بازجویی‌های

اطلاعاتی انجام شد.

۳. ملاحظات فقهی تقویت کننده محدودیت‌های استفاده از ابزارهای آشکارساز زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی به‌عنوان ابعاد تزییعی و ملاحظات فقهی تقویت کننده اختیارات در این زمینه به‌عنوان ابعاد توسعه‌ای، تبیین گردید.

۴. استدلال‌های فقهی با تطبیق بر واقعیات حوزه اجرا در فرآیند دادرسی و انجام آزمایش‌های آشکارساز زبان بدن، سازماندهی شده و در دو دسته ابعاد تزییعی و توسعه‌ای تبیین شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل فقهی حقوقی بازجویی

بازجویی و حتی مصاحبه اطلاعاتی همان‌طور که در موضوع‌شناسی گذشت، از اقداماتی است که سلب کننده آزادی و ورود در حریم خصوصی افراد و نوعی تجسس محسوب می‌شود. از سویی دیگر بازجو در مقام کسب اطلاعات، به‌دنبال حرف کشیدن از متهم است و به این طریق در مقام سلب آزادی و اختیار فرد بر می‌آید و از آنجایی که فرد را در مقام متهم قرار داده و اتهاماتی را متوجه وی گردانیده و به‌دنبال کشف ارتباط فرد با اتهامات از پیش تعیین شده است، خلاف اصل برائت می‌باشد (جعفری، ۱۳۷۲: ۴۹). همچنین بازجویی در تعارض با اصل عدم ولایت بر سایر انسان‌هاست چرا که بازجو با قرار دادن متهم در موقعیت بازجویی و الزام او به پاسخ‌گویی به سؤالات، نوعی ولایت بر وی را برای خود ایجاد کرده است. (فاضل‌آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۱۳) لذا اصل اولی بر حرمت بازجویی است و در راستای اصل برائت، اگر از کسی سؤال شد واجب نیست پاسخ بدهد (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۰۶). این تعارض ذاتی نه فقط با احکام فقهی بلکه با اصول انسانی، اخلاقی و حقوق بشری نیز قابل مشاهده است همان‌طور که در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و ماده ۷ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت از فشار جسمی و روحی و رفتارهای موهن منع شده است.

در برخی شرایط، حکم ثانوی مبنی بر وجوب بازجویی و وجوب پاسخ‌گویی متهم مطرح می‌شود. یکی از بارزترین این شرایط، زمانی است که مخاطره‌ای، مصالح اساسی اجتماع را به خطر اندازد،

(حلی، ۱۴۰۳ق: ۷) و اصطلاحاً تهدیدی تبدیل به تهدید امنیتی شود. در حوزه جرائم علیه امنیت، به دلیل اهمیت و حساسیت نتایج حاصل از جرائم، معمولاً از اصل برائت عدول شده و صرف وجود ظن قوی حتی نسبت به مقدمات جرم جرم‌انگاری می‌شود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۹۹). در مواجهه با چنین تهدیداتی، جلوگیری از تهدید از وظایف حاکمیت است (علیپور، ۱۳۹۹: ۱۴۹). از آنجایی که کشف حقیقت له یا علیه متهم یا متهمان واجب می‌باشد و ناگزیر از بازجویی برای حصول به حقایق موضوع یا صحت‌سنجی اظهارات متعدد و متعارض هستیم، بازجویی از باب مقدمه واجب و خوب پیدا می‌کند (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۰۶). لذا حکم ثانوی مذکور با در نظر گرفتن عوارض و عناوین ثانویه مانند اضطرار، مصلحت اولی، مقدمه واجب و ... مطرح شده است (خویی، ۱۴۱۷ق، ج: ۲۴۸ ۲) و این بدان معناست که از میان جزئیات راه کارها، روش‌ها و تکنیک‌های بازجویی اولاً مواردی صرفاً داخل در حکم ثانوی جواز می‌باشد که به‌طور خاص دارای دلیل و استدلال فقهی باشد، ثانیاً این استدلال به واسطه اصول یا قواعد دیگر همچون اصل صداقت، برائت یا قاعده لاضرر نقض یا مضیق نشده باشد ثالثاً جواز مذکور محدود به حدود استدلال فقهی و تسری عوارض ثانویه است و رابعاً این جواز تا مادامی است که عوارض ثانویه باقی باشد و به محض از بین رفتن آن عوارض یا وجدان جایگزین بهتر برای آن، حکم جواز از بین می‌رود.

بر این اساس تحلیل برخی از ابعاد بازجویی از منظر فقهی با توجه به چهار قید اخیر شامل موارد زیر است:

نوع سؤالات: بازجو مجاز به پرسش سؤالات هدایت شده در حیطه جرائم و اتهام تفهیم شده به متهم است. لذا هرگونه خروج موضوعی از موضوع اتهام یا ورود در حریم خصوصی فرد (حتی اگر دارای عنوان مجرمانه فردی شامل شرب خمر، زنا و ... باشد) مجاز نمی‌باشد (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۰۸). ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری و بند ۱۱ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز مؤید این نکته است. لذا پرسیدن سؤالات تلقینی (سؤالاتی که مقدمات آن توسط متهم پذیرفته نشده و بازجو در حال القای قطعی بودن آنها و سپس اخذ اقرار بر نتایج مترتب بر مقدمات است) مصداقی از سؤالات ممنوعه از نظر قانونی و شرعی است (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۷۰).

نحوه بازجویی: شرایط اجرای بازجویی بر اعتبار نتایج آن کاملاً مؤثر است. هرگونه فشار بر متهم از جمله داد زدن، در سختی قرار دادن، شکنجه روحی یا جسمی و ... حرام و موجب ساقط شدن اعتبار

اقرار و اعترافات متهم می‌شود. در جریان حکم اجرای حد زنا بر زنی که اعتراف کرده بود، حضرت علی (ع) فرمودند «کسی که تحت فشار اعتراف به گناهی کند، حد بر وی جاری نمی‌شود. مقصود کسی است که به بند کشیده شده یا حبس شده یا تهدید شده و سپس اعتراف کرده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰: ۶۷۵) همان‌طور که در بخشی دیگر از روایت به داد زدن بر سر متهم و ترساندن وی اشاره فرمودند «فَلَعَلَّكَ أَنْتَهَرْتَهَا أَوْ أَخَفَّتَهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰: ۲۷۷) لذا مراجع عظام تقلید حکم به عدم اعتبار اعتراف در حال خوف و ترس ناشی از بازجویی کرده‌اند (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۱۲). طبق اصل ۳۸ و ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی و متفق بین غالب دستگاه‌های حقوقی قضایی دنیا اعتراف تحت فشار غیر معتبر است (بزرگمهر، ۱۳۸۹: ۴۴). طولانی نمودن مدت زمان بازجویی و عدم اجازه استراحت به متهم، اجرای بازجویی در شب یا استفاده از نور غیر کافی در اتاق بازجویی، انجام بازجویی به صورت غیر انفرادی و ... نیز از جمله مصادیق فشار بر متهم محسوب می‌شود (شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ۳۴۱).

تکرار بازجویی: از آنجایی که هدف از بازجویی کشف حقیقت است، اگر در هر مرحله‌ای از بازجویی، حقیقت مکشوف گردید، حرام است دوباره همان سؤالات قبلی توسط بازجوی دیگر یا همان بازجو پرسیده شود. علت حرمت، همان اصل اولی است (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۰۸) مگر اینکه بازجویی دوم برای بالابردن ضریب سلامت و اطمینان از بازجویی قبلی باشد که در سیره عملی حضرت علی علیه‌السلام نیز مسبوق به سابقه است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۳۷۱).

وعده در بازجویی: رعایت صداقت از اصول اساسی در بازجویی است. بازجو در هیچ مرحله‌ای از مراحل بازجویی و به هیچ انگیزه و توجیهی نمی‌تواند از این اصل تعدی کند.

از موارد مبتلا به تخلف از این اصل، وعده دادن به متهم برای دریافت اطلاعات است. بازجو اولاً نمی‌تواند وعده‌ای که قصد انجام آن را ندارد به متهم بدهد و ثانیاً نمی‌تواند وعده‌ای بدهد که در حیطه اختیارات وی نیست (مهاجری، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

تکنیک زیرپاکشی: مقصود از این تکنیک، تغییر جهت بازجویی و سؤالات به نحوی است که متهم ناخودآگاه آنچه را که در باطن دارد اظهار نماید (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۱۰). در سیره عملی حضرت علی علیه‌السلام نیز در ماجرای قضاوت در مورد احقاق حق فردی به نام مات‌الدین استفاده از این تکنیک را در شرایط ضرورت شاهد هستیم (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۷۱). زیرپاکشی گاهی با اظهار اینکه سایر

متهمان یا افراد مرتبط با جرم اعتراف کرده‌اند یا همه جزئیات جرم مکشوف شده صورت می‌گیرد و گاهی نیز از طریق برقراری ارتباط دوستانه و صمیمی با متهم محقق می‌گردد. در هر دو صورت نوعی فریب که با اصل اولی بازجویی در تعارض است مورد استفاده بازجو قرار گرفته است.

تحلیل فقهی جایگاه ابزارهای آشکارساز زبان بدن در بازجویی

همان‌طور که در موضوع شناسی ذکر شد، بینه یا امارات در کنار اقرار و شهادت به‌عنوان یکی از منابع اثبات جرم محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۶، ج ۴: ۳) که در بسیاری از موارد از طریق بررسی صحنه جرم، تعقیب و مراقبت سوژه و جلب اسناد مرتبط و همچنین ثبت اظهارات متهم در بازجویی به‌دست می‌آید (روستایی نژاد و اوسط خانجانی، ۱۳۹۶: ۳۸) در اینکه چه مواردی جزء بینه محسوب شده و چه چیزی بینه نیست، در فقه القضاء بر عهده مجتهد قرار داده شده است و ملاک نهایی برای تصمیم‌گیری، علم قاضی است (فلاحی و بزرگمهر، ۱۳۹۹: ۱۶۴). اجرای آزمایش‌های آشکارساز زبان بدن در صورتی که شرایط متهم، شرایط محیط اجرای آزمایش، شرایط دستگاه و خبرگی آزمایشگر و شرایط تحلیل نمودارها به درستی رعایت شده باشد می‌تواند حاکی از وجود ارتباطی بین متهم و موضوع اتهام باشد. این ارتباط به خودی خود اتهام را اثبات نمی‌کند چرا که صرفاً وجود ارتباط در نمودارها توصیف می‌شود و جزئیات این ارتباطات قابل احصا نیست اما در صورتی که به سایر قرائن منضم شود می‌تواند در تکمیل علم قاضی مفید علم باشد. هم‌طور که حکم نهایی در سایر بینه معمولاً منضم به اقرار یا بینه دیگر قطعیت پیدا می‌کند، در این خصوص نیز نتایج آزمایش‌ها می‌تواند صرفاً به‌عنوان یک بینه در کنار سایر امارات یا بینه‌ای بر صحت و سقم اقرارها مورد استفاده قرار گیرد (صاحبان احمدی و حیدری، ۱۳۹۹: ۶۹). در چنین حالتی در صورتی که متهم بدون دلیل از اجرای آزمایش استکفاف کند، این عمل خود می‌تواند به‌عنوان اماره‌ای علیه وی استفاده شود.

بر این اساس از آنجایی که بازجویی خود اماره و بینه‌ای در کنار سایر ادله اثبات جرم محسوب می‌شود، نتایج آزمایش دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن می‌تواند در اعتبارسنجی اقرارهای متهم، کشف امارات جدید در خلال بازجویی، کشف نیات متهم و ... به‌عنوان اماره‌ای متقن در کنار سایر ادله و بینات، مفید علم قاضی باشد چرا که بر اساس توضیحات بیان شده در بخش موضوع شناسی، نتایج این آزمایش، برخلاف اصول عملیه و عقلیه، کاشف از واقع می‌باشد لذا موجد علم برای قاضی

است (نجفی، ۱۳۷۳: ۴۸).

تحلیل فقهی شرایط اعتبار نتایج آزمایش‌های آشکارساز زبان بدن

نتایج آزمایش‌های آشکارساز زبان بدن در صورتی موجد علم قاضی است که کاشف از حقیقت باشد. بر اساس این ملاک، باید شرایطی به وجود بیاید که اطمینان از کاشفیت آزمایش‌ها از واقع به دست آید. بنابراین در صورتی می‌توان جایگاه کاشفیت از واقع را برای آزمایش‌ها در نظر گرفت که شرایط فنی و اخلاقی آن رعایت شود. این شروط کیفیت فرآیند اخذ نتیجه را تضمین می‌نماید و در حقیقت برای دقت در موضوع اماره و تشکیل صحیح اماره، مطرح می‌شوند که همه در نظر فقیه ارزش موضوع‌شناسی دارند (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۴۵). تا فقیه موضوعی را به درستی نشناسد و اقسام آن را تشخیص ندهد، روا نیست حکمی را بر آن بار کند از این رو فقه در دو مرحله شروط ذیل را ضروری دانسته و حکم به وجوب تحصیل آنها می‌نماید اولاً بدون شناخت موضوع که به مثابه علت حکم است، حکم ناقص و غیر مشروع است (نجفی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۱۲) و ثانیاً اینکه این شروط علم قاضی را نافذ برای حکم می‌نماید که مقدمه ضروری استفاده از امارات غیر شرعیه است (لنکرانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱: ۴۸۶).

این شروط شامل موارد زیر است:

۱. شرایط شخصی متهم

در خصوص استفاده از فناوری پلی‌گراف، در دنیا قوانینی تدوین شده که از جمله آنها رضایت شخص متهم به اجرای آزمایش است. (The British Polygraph society, code of Ethics, 5) دلیل وجود چنین شرطی را رعایت حریم خصوصی اشخاص و اتکا به حقوق و آزادی‌های فردی خصوصاً تحقیر دانسته‌اند (Greaves, 1981: 655). اما از منظر فقهی استفاده از ابزارهای آشکارساز زبان بدن به این دلیل نیازمند رضایت متهم نیست بلکه وجه ضرورت، ذاتی استناد به اماره از جهت اتقان نتایج آزمایش می‌باشد. عدم رضایت متهم، بر نتایج آزمایش اثر می‌گذارد و رضایت او کیفیت نتایج را تضمین می‌کند و به این دلیل که وجه اعتبار نتایج، کاشفیت آنها از حقیقت است، رضایت متهم لازم می‌باشد و الا استخدام بینه به نظر قاضی مجتهد منوط است و با توجه به شرایط متهم نیازمند اخذ اجازه از وی نمی‌باشد. بر اساس همین مناسبات، واجب است شرایط شخصی متهم به نحوی تدارک

شود که کمترین اختلال در آزمایش ایجاد گردد. مقصود از شرایط شخصی متهم علاوه بر رضایت، آرامش و در معرض استرس قرار ندادن متهم، عدم ورود در مسائل خانوادگی، انجام خدمات درمانی در صورت بیماری، رعایت اصول بهداشتی و ... می‌باشد. بر این اساس از نظر فقهی گرچه ضرورت کسب رضایت متهم مستند به رعایت اصل عدم اجبار (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۲۷۳) قابل اجبار نیست ولی فارغ از حکم شرعی، به دلیل نقش مخرب اجبار در نتایج آزمایش و از اعتبار ساقط شدن نتایج آزمایش قطعا کسب رضایت متهم برای اجبار آزمایش ضروری است.

۲. جامعیت در سؤالات

آزمایش و گزارش آن باید حاوی همه سؤالات و واکنش‌ها باشد تا در مقام تحلیل قضایی، شدت و ضعف واکنش مد نظر قاضی قرار گرفته و قابلیت مقایسه داشته باشد. هر پاسخ مهم بایستی مبتنی بر اهمیت در گزارش قید گردد و با گزاره‌های «پاسخ قابل توجه»، «پاسخ بدون اهمیت»، «غیر قابل ارزیابی» یا «بدون نظر» مشخص و ذکر گردد.

۳. شفاف بودن نمودارها

نظر به فرآیند عملکرد دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن که مبتنی بر تغییرات فیزیولوژیکی بر اثر تغییرات روحی است، آزمایش باید در قالب واکنش‌های بدنی شفاف و با کیفیت اخذ شود و اظهار نظر در این رابطه باید در قالب عبارت‌های صریحی همچون «فریب شناخته شده»، «عدم فریب شناخته شده»، «بی نتیجه و ناکامل» و «بدون نظر» باشد تا بتواند مورد استفاده در دادرسی قرار گیرد. به این منظور اجرای آزمایش مقدماتی بدون خطا یا با احتمال خطای کمتر از ۲۰ درصد از مقدمات واجب محسوب می‌شود. آزمایش مقدماتی، آزمایشی ساختگی و خارج از موضوع اتهام است که هدف از آن سنجش صحت دستگاه و همچنین آشنایی با ریتم نمودارهای متهم در هنگام دروغ‌گویی است. (Nagle, 1983: 718)

۴. احراز صلاحیت کارشناس

به دلیل وابستگی کامل صحت نتایج آزمایش‌ها به خبرگی کارشناس مربوطه، صلاحیت وی باید در خلال آزمایش‌های مختلف و از سوی مراجع ذیصلاح تأیید شده باشد چه در غیر این صورت، اطمینان به نتایج و به تبع علم نافذ برای قاضی شکل نگرفته و آزمایش از جایگاه اماره بودن خارج

می‌شود (صاحبان احمدی و حیدری، ۱۳۹۹: ۷۱). لذا در صورتی نتایج باید مورد پذیرش قاضی قرار گیرد که صحت نتایج طبق دسته‌بندی جدول ۴ بررسی شده باشد

جدول ۴

عنوان	توضیح	نحوه سنجش اعتبار
اولاً در طراحی سوالات	استفاده از ترکیب سوالات ختنی، سوالات کنترلی کلی، سوالات کنترلی خاص و سوالات اصلی استفاده از کلیدواژه‌های خاص ناظر به موضوع اتهام در سوالات اصلی عدم پرسش از موضوعات غیر مرتبط	بررسی برگه شرایط و علائم فیزیکی متهم از بازداشتگاه، ساعت اجرای آزمایش، داروهای مصرف شده توسط متهم و ... بررسی صوت اجرای آزمایش
ثانیاً در رعایت شرایط اجرای آزمایش	قرار داشتن متهم در شرایط جسمی و روحی مناسب رعایت شرایط محیطی و عدم وجود عوامل محیطی ایجاد کننده اختلال در پاسخ‌ها مثل صدا یا تصویر اجرای آزمایش در ساعت زیستی مناسب متهم وضوح صوت در پرسش‌های مطرح شده	بررسی برگه شرایط و علائم فیزیکی متهم از بازداشتگاه، ساعت اجرای آزمایش، داروهای مصرف شده توسط متهم و ... بررسی صوت اجرای آزمایش
ثالثاً در تحلیل نتایج	عدم سوگیری کارشناس در تحلیل نتایج نمودارها بازبودن تفاوت نمودار در سوالات اصلی در مقایسه با سایر سوالات تکرار اجرای آزمایش‌ها در صورت وجود ابهام در نمودارها	تحلیل نتایج توسط دو کارشناس مستقل یک کارشناس اجرا کننده و یک کارشناس خارج از آزمایش ارائه برگه تشریح نتایج آزمایش و گویاسازی نمودارها توسط کارشناس

ابعاد فقهی استفاده از آشکارسازهای زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی

با توضیحاتی که گذشت، مشخص شد استفاده از آشکارسازهای زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی یکی از امارات جدی در تکمیل پرونده و موجد علم قاضی برای حکم نهایی است که در صورت انضمام به سایر امارات می‌تواند در تأیید یا رد آنها دخیل باشد. به لحاظ فقهی نام‌گذاری دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن به «دروغ‌سنج» مخالف با اصل برائت است که در ابتدای تحلیل‌های فقهی بازجویی مطرح شد (جعفری، ۱۳۷۲: ۴۹). لذا مبتنی بر مبانی اسلامی، دستگاه یا ابزاری به نام دروغ‌سنج در فرآیندهای بازجویی معتبر نبوده و در صورت استفاده از این عنوان برای دستگاه‌های مشابه، بهره‌برداری از آنها در فرآیند بازجویی خلاف اصل برائت می‌باشد. البته این محدودیت از نظر اسلامی صرفاً در مقام تسمیه نیست بلکه در عمل نیز کاربر ابزارهای مذکور باید رویکرد آشکارسازی زبان بدن و کشف حقیقت قرار گیرد. مبتنی بر این رویکرد و با فرض اثبات جواز استفاده از ابزارهای آشکارساز زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی، ابعاد فقهی آن را می‌توان در دو

دسته ابعاد تضییقی و توسعه‌ای دسته بندی نمود.

ابعاد تضییقی

با توجه به حکم اولی حرمت برای بازجویی به دلیل خلاف اصل آزادی، خلاف اصل برائت و خلاف اصل عدم ولایت بودن آن (جعفری، ۱۳۷۲: ۴۹) (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۱۳)، بسیاری از اقدامات، تکنیک‌ها و جزئیات بازجویی، بنابه ضرورت مجاز یا واجب شده است. ظرفیت به وجود آمده در بازجویی توسط ابزارهای آشکارساز زبان بدن، فلسفه ضرورت برخی از این مصادیق را از بین برده و در نتیجه حکم ثانوی جواز یا وجوب نیز از آنها برداشته شده و حکم اولی حرمت بر آنها متبقی می‌شود. به این موارد ابعاد تضییقی استفاده از آشکارسازهای زبان بدن را اطلاق می‌کنیم چرا که دایره و حیطه اقدامات مسموح در بازجویی را مضیق می‌نماید.

دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن اولین اثر خود را در مدت زمان بازجویی نشان می‌دهد. همان‌طور که بیان شد مدت بازجویی فقط باید به میزان ضرورت تنظیم شود و اطاله آن موجب سلب آزادی فراتر از مقدار مجاز می‌شود (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۰۸). بیشترین صرف وقت در بازجویی، در زمینه کشف ارتباط متهم با اطلاعات به دست آمده در مورد جرائم است. این یعنی اطلاعات آشکار و پنهان مورد نیاز پیش از بازجویی به دست آمده و اکنون نیازمند استخراج ارتباط متهم با این اطلاعات هستیم تا عناوین مجرمانه را بر وی بار کنیم. دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن در بازه زمانی چند دقیقه، این مهم را با کیفیت بالا حاصل می‌کند و طبیعتاً ضرورت بر استمرار و اطاله بازجویی از بین می‌رود. از همین جهت، ضرورت تکرار بازجویی برای کشف تعارضات پاسخ‌گویی‌های متهم نیز مضیق می‌شود چرا که نتایج آزمایش‌ها با ضریب اطمینان بالا، می‌تواند تعارضات مد نظر را کشف نماید. همچنان که اجازه اجمالی برای تکنیک زیرپاکشی نیز محدود می‌شود. البته اساس تکنیک زیرپاکشی با این ابزارها کنار گذاشته نمی‌شود چرا که زیرپاکشی غالباً برای تحصیل اطلاعات بیشتر و اطلاعاتی که تا کنون توسط متهم بیان نشده است استفاده می‌شود و این مهم لزوماً با ابزارهای آشکارساز زبان بدن تحصیل نمی‌شود ولی ابعادی از تکنیک زیرپاکشی که برای کشف تعارضات اظهارات متهم مورد استفاده قرار می‌گیرد، مضیق می‌شود.

از آنجایی که در پرونده‌های امنیتی برخی اقرارها توسط متهم علیه خود، برای رد گم‌کنی و انحراف

پرونده از مسیر اصلی و کشف شبکه گسترده‌تر صورت می‌گیرد، نتایج آشکارسازهای زبان بدن می‌تواند مضیق‌کننده حیطة قاعده «اقرار العقلاء علی أنفسم جائز» باشد. گرچه مطرح شده که انسان به صورت ذاتی دوست دارد آنچه به ضرر اوست دفع کند و از این جهت در منابع فقهی حقوقی به صرف اینکه اقرار فرد عاقل علیه خود صورت گیرد، مجوز قبول اقرار است (شامیانی، ۱۳۹۷: ۶۰) ولی با ورود فناوری‌های آشکارساز زبان بدن، باید دایره این قاعده را حداقل در پرونده‌های اطلاعاتی امنیتی مضیق‌نماییم. چرا که دلیل بر قاعده مذکور این است که عموم عقلا، به ضرر خود اقرار نمی‌کنند و در صورتی که این اقرار منضم به قرائن باشد مورد قبول واقع می‌شود (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۵). این دلیل در پرونده‌های امنیتی لزوماً صادق نیست و متهم در برخی موارد به منظور کشف نشدن شبکه گسترده‌تر، اقراری را که دارای قرائن اجمالی نیز هست علیه خود صورت می‌دهد تا اصطلاحاً از سوختن مهره‌های مهم‌تر جلوگیری کند. بنابراین با امکان فراهم شده توسط آشکارسازهای زبان بدن، هر نوع اقرار متهم علیه خود، بدون نتایج آزمایش پذیرفته نیست و می‌توان نتایج آزمایش را به‌عنوان اماره‌ای در تضییق اقرارهای خلاف واقع مورد استفاده قرار داد.

از سوی دیگر، بازجو برای تکمیل اطلاعات پرونده و رساندن متهم به نقطه اقرار یا کشف ارتباط اطلاعات به‌دست‌آمده در مورد جرم، مجبور به جست‌وجوی داده‌های پنهان می‌شود که مستلزم ورود در حریم خصوصی متهم (البته مرتبط با موضوع پرونده) است. در صورتی که استفاده از آشکارسازهای زبان بدن منجر به کشف ارتباط اطلاعات پرونده با متهم شود - که در غالب موارد می‌شود - ضرورت ورود در حریم خصوصی و جمع‌آوری‌های پنهان نیز از بین رفته و به همین میزان حیطة مجاز جمع‌آوری پنهان مضیق می‌شود.

ابعاد توسعه‌ای

در نقطه مقابل مضیقات مذکور، آشکارسازهای زبان بدن، منجر به توسعه حیطة جواز برخی ابعاد بازجویی شده است. به این موارد ابعاد توسعه‌ای استفاده از آشکارسازهای زبان بدن را اطلاق می‌کنیم. مهم‌ترین این ابعاد اعتباربخشی به اقرار در صورت عدم وجدان سایر امارات است. در شرایطی که پرونده فقط دارای استناد اقرار متهم است و اقرار در بازداشتگاه به‌دست آمده باشد، اقرار فی‌النفسه اعتباری نداشته و نمی‌تواند مبنای صدور حکم قرار گیرد مگر آنکه به قرائن و بیناتی منضم شود (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۱۲). پیدا کردن قرائن و مستندات همیشه قابل تحقق نیست و همین امر منجر

به رهایی بسیاری از مجرمان از فرآیندهای دادرسی می‌شود. در این شرایط ابزارهای آشکارساز زبان بدن که اثبات شد به‌عنوان اماره و بینه در اثبات جرائم مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان قرینه به اعترافات به‌دست‌آمده در بازداشتگاه ضمیمه شده و باعث اعتباربخشی به اقرار شود. در چنین شرایطی گرچه سایر مستندات قابل تحصیل نباشد اما اقرار فرد ولو در بازجویی به‌دست آمده باشد مورد استناد قاضی قرار گرفته و می‌تواند مبنای صدور حکم در جرائم امنیتی قرار گیرد چرا که نتایج دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن، به‌عنوان اماره‌ای بر صحت اقرار مذکور وارد شده است.

از دیگر ابعاد توسعه‌ای نتایج آزمایش‌ها در تمدید مدت بازداشت است. به‌طور معمول پس از بررسی مستندات اولیه جرائم امنیتی و احتمال اتهام برای برخی عوامل، قرار بازداشت موقت برای ایشان به مدت محدودی صادر می‌گردد. در این مدت دستگاه اطلاعاتی موظف به جمع‌آوری مستندات از طرق مختلف از جمله بازجویی از متهم است. در صورتی که متهم در این بازه زمانی اعتراف نکرده یا اماره جدیدی به‌دست نیاید، قرار بازداشت تمدید نمی‌گردد. بسیاری از مجرمان با علم به این موضوع در بازه زمانی مذکور اعتراف نکرده و کتمان حقیقت می‌کنند. در این حالت نتایج آزمایش‌های آشکارساز زبان بدن چنانچه عدم صداقت متهم در اعترافات را نشان دهد، می‌تواند اماره‌ای برای قاضی مبنی بر وجود بینه‌ای غایب باشد که نیازمند تمدید مدت بازداشت به منظور به‌دست آوردن بینه‌های غایب از سوی دستگاه اطلاعاتی است (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۵: ۱۰۳) چرا که در این صورت سکوت متهم در پاسخ‌گویی‌ها مستند به عناد و عدم همکاری در تکمیل مستندات شده و از باب «إلزام المدعی علیه بالجواب إذا سکت عناداً» امکان تمدید حبس برای وی وجود خواهد داشت (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۵: ۱۰۴) و با حقوق متهم در تعارض قرار نمی‌گیرد اما در صورتی که چنین اماره‌ای به‌وجود نمی‌آید صرف احتمال از سوی بازجو نمی‌توانست دلیل کافی برای اثبات عناد متهم در عدم پاسخ‌گویی محسوب شود.

بنابراین ملحق شدن اماره و بینه‌ای متقن به سایر امارات موجد علم قاضی و اماره محسوب شدن نتایج به منظور تمدید مدت بازداشت می‌تواند مهم‌ترین ابعاد توسعه‌ای قابل احصا برای آشکارسازهای زبان بدن باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ابزارهای آشکارساز زبان بدن، به‌عنوان ظرفیتی کم‌نظیر در ارتقای اتقان نتایج بازجویی‌های اطلاعاتی، نتایج اطمینان‌بخش و قابل بهره‌برداری را با ثبت واکنش‌های فیزیولوژیکی متهم در مواجهه با سؤالات ارائه می‌کند. اجرای آزمایش توسط این دستگاه‌ها هیچ ضرر جسمی یا روحی برای فرد ندارد چرا که اساساً محرکی به بدن وی وارد نمی‌کند. در بازجویی اطلاعاتی به‌دلیل اولاً عدم وجود ضرر جسمی و روحی در فرآیند اجرای آزمایش ثانیاً قرار گرفتن متهم در موقعیت دادرسی جرائم امنیتی ثالثاً منوط بودن امکان استخدام یننه به نظر قاضی، اخذ اذن متهم برای اجرای آزمایش به لحاظ فقهی ضرورتی ندارد اما به جهت تأثیر رضایت متهم بر کیفیت نتایج آزمایش، ضروری می‌باشد. در چنین شرایطی عدم رضایت متهم به اجرای آزمایش، خود می‌تواند به‌عنوان دلیل و بینه‌ای مستقل بر کتمان حقیقت نیز مورد استناد قرار گیرد.

از آنجایی که بازجویی خود اماره و بینه‌ای در کنار سایر ادله اثبات جرم محسوب می‌شود، نتایج آزمایش دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن می‌تواند در اعتبارسنجی اقرارهای متهم در مدت بازداشت، کشف امارات جدید در خلال بازجویی، کشف نیت متهم و ... به‌عنوان اماره‌ای متقن در کنار سایر ادله و بینات موجد علم قاضی باشد. حداقل اثر نتایج آزمایش‌ها، سنجش میزان اعتبار سایر امارات کسب شده است گرچه حکم کردن مستقل بر اساس نتایج آزمایش‌ها به منظور تشدید یا تخفیف مجازات متهم یا احراز و قطعیت به ارتکاب جرم توسط متهم نیز در اختیار قاضی و امکان‌پذیر می‌باشد و محدودی برای آن وجود ندارد چرا که بر اساس توضیحات بیان شده در بخش موضوع‌شناسی، نتایج این آزمایش، برخلاف اصول عملیه و عقلیه، کاشف از واقع می‌باشد لذا موجد علم برای قاضی است.

از منظر اینکه ضرورت و جواز استخدام این ابزارها از حیث کاشفیت از حقیقت است، رعایت هرآنچه در ارتقای سطح نتایج حاصل از آزمایش تأثیرگذار باشد واجب است. از جمله این شروط رعایت شرایط شخصی متهم شامل رضایت متهم، آرامش و در معرض استرس قرار ندادن متهم، عدم ورود در مسائل خانوادگی، انجام خدمات درمانی در صورت بیماری، رعایت اصول بهداشتی و ...، رعایت جامعیت در سؤالات و عدم اجرای تک‌بعدی آزمایش، رعایت تمام اصول فنی برای شفافیت نمودارها و نتایج و عدم اکتفا به نتایج احتمالی یا مبهم و استفاده از کارشناس خبره چه در

مرحله اجرای آزمایش و چه در مرحله تحلیل می‌باشد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که استفاده از این ابزارها در فرآیند بازجویی‌های اطلاعاتی به لحاظ فقهی دارای اثر تضيیعی و توسعه‌ای در مباحث فقهی مرتبط با بازجویی است که در جدول ۵ ذکر شده است.

جدول ۵- جمع‌بندی ابعاد فقهی استفاده از آشکارسازهای زبان بدن در بازجویی اطلاعاتی

محدودیت در حیطه جواز اجرای فن زیرپاکشی	نقش تضيیعی	نقش استفاده از آشکارسازهای زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی از منظر فقهی
محدودیت قلمرو ورود در حریم خصوصی		
محدودیت قلمرو قاعده اقرار العقلاء علی انفسهم جایز		
محدودیت در مدت زمان و تکرار بازجویی		
اعتبار به‌عنوان منبع مکمل علم قاضی	نقش توسعه‌ای	
اعتباربخشی به اقرار متهم در بازه زمانی بازداشت		
تمدید مدت بازداشت برای اخذ اقرار		

با توجه به تأثیر بی‌بدیل آشکارسازهای زبان بدن در ارتقای نتایج بازجویی‌های اطلاعاتی و ابعاد تحلیل شده از این موضوع به لحاظ فقهی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. آگاهی بخشی نسبت به فرآیند عملکرد دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن برای قضات و دست‌اندرکاران دستگاه قضایی مبتنی بر نتایج پژوهش حاضر.
۲. آموزش مدیران اطلاعاتی نسبت به کارایی‌ها و آثار دستگاه‌های آشکارساز زبان بدن در بازجویی‌های اطلاعاتی مبتنی بر بخش موضوع‌شناسی این پژوهش.
۳. توانمندسازی مدیران نسبت به ابعاد فقهی استفاده از آشکارسازهای زبان بدن به منظور جلوگیری

از بسیاری از راه کارهای سنتی یا غیر کارآمد در بازجویی.

۴. تهیه دستورالعمل نظارت بر بازجویی های اطلاعاتی مبتنی بر نتایج پژوهش حاضر.

۵. اجرای تحقیقات خاص روان شناسی به جهت ارتقای دقت آزمایش های دستگاه های آشکارساز زبان بدن.

۶. اجرای تحقیقات خاص تولید دستگاه های آشکارساز زبان بدن با دقت بالاتر و نیازمندی کمتر به اتصال سنسورها.

۷. توسعه کارایی آشکارسازهای زبان بدن از سطح بازجویی های اطلاعاتی به سمت مصاحبه و گزینش اطلاعاتی از طریق آشنایی بیشتر مدیران با کارایی های این ابزارها.

۱. آیین نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۶)، مصوب هیات وزیران
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، رقابت سیاسی در چارچوب، مجموعه مقالات همایش رقابت های سیاسی و امنیت ملی، جلد اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
۴. بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
۵. بزرگمهر، امیر عباس (۱۳۸۹)، تأثیر روان‌شناسی در شهادت به عنوان اثبات دعوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۷. جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۹. _____ (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت لاجیاء التراث.
۱۰. حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق)، ضد القواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۱. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، مصباح الاصول، قم: مکتبه الداوری.
۱۲. دشتی، محمد (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، تهران: الهادی.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۶)، دلیل در امور کیفری و مدنی، تهران: انتشارات تدریس.
۱۵. روستایی نژاد، علی و علی اوسط خانجانی (۱۳۹۶)، جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی، مطالعات علوم سیاسی، شماره ۴.
۱۶. ساریخانی، عادل و مسعود حیدری (۱۳۹۲)، بررسی فقهی و حقوقی ابراز شهادت توسط اطفال، فصلنامه پژوهشهای فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۱.
۱۷. سالاری شهربابکی، میرزا مهدی (۱۳۸۷)، جرائم علیه امنیت کشور، تهران: میزان.
۱۸. سعدی، ابوجیب (۱۴۰۲)، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق: النشر.
۱۹. سلیمی، میررضا و رجب گلدوست جویباری (۱۴۰۱)، دروغ سنجی و حقوق متهم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۰.

۲۰. سهرابی، یعقوب (۱۳۸۸)، بررسی فقهی و حقوقی حجیت علم قاضی، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۴.
۲۱. شادمان فر، محمدحسین و محمدحسین علیپور، (۱۴۰۲)، ارائه الگوی نظام مطلوب امنیت در حکومت اسلامی، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۱.
۲۲. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۷)، جزوه آیین دادرسی کیفری، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۳. شاملو احمدی، محمدحسین (۱۳۸۳) داسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان: نشر دادیار.
۲۴. صاحبان احمدی، جعفر و مسعود حیدری (۱۳۹۹)، جایگاه فقهی حقوقی فناوری دروغ سنج در کشف جرائم امنیتی، نشریه امنیت پژوهی، شماره ۷۱.
۲۵. صدر، محمدباقر (۱۳۸۸)، سنت های تاریخ در قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طباطبایی حکیم، محمد سعید (۱۴۲۷ق)، مسائل معاصره فی فقه القضاء، عراق: دار الهلال.
۲۷. عابدی، احمد (۱۴۰۱)، الزامات فقهی و قانونی در امور اطلاعاتی-حفاظتی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
۲۸. عبداللهی، عبدالکریم (۱۳۸۸)، قواعدی از فقه، قم: بوستان کتاب .
۲۹. علیپور، محمدحسین (۱۳۹۹)، بررسی فقهی نقش حکومت اسلامی در مواجهه با تهدیدات امنیتی، تهران: دانشگاه مازندران.
۳۰. علیپور، محمدحسین (۱۴۰۳)، تبارشناسی جرائم علیه امنیت در فقه و حقوق ایران، نشریه سیاست دفاعی، شماره ۱۲۶.
۳۱. عقیلی خراسانی، محمدحسین (۱۳۹۶)، خلاصه الحکمه، تهران: ایرانیان طب.
۳۲. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. فلاحتی، احمد و امیرعباس بزرگمهر (۱۳۹۹)، بایسته های نوین علمی بازجویی و تحقیق در قلمرو ادله اثبات حقیقت، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱۹.
۳۴. قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳)، مصوب مجلس شورای اسلامی.
۳۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)، مصوب همه پرسی.
۳۶. قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، مصوب مجلس شورای اسلامی.
۳۷. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، مصوب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
۳۸. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹)، مصوب مجلس شورای اسلامی.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، فروع کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۲۸)، جامع المسائل، قم: انتشارات امیر قلم.

۴۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۴۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۴. مهاجری، علی (۱۳۸۱)، آیین رسیدگی در دادسرا، تهران: نشر فکر سازان.
۴۵. نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق)، فوائد الاصول، قم: انتشارات اسلامی.
۴۶. نجفی (کاشف الغطاء)، جعفر بن خضر (۱۴۲۲)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعۃ الغراء، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۴۷. نجفی، محمدحسین (۱۳۷۳)، جواهر الکلام، بیروت: دار الکتب.
۴۸. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۴)، حقوق جزای اختصاصی ۳، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴۹. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
۵۰. یعقوبی، عبدالهاشم (۱۳۸۲)، نحوه رسیدگی به جرائم در دادسرا و دادگاه های دادگستری، تهران: نشر فردوسی.

منابع لاتین

1. Nagle, D. E. (1983). The polygraph in the workplace. U. Rich. L. Rev., 18, 43.
2. Reid, J. E. (1947). A revised questioning technique in lie-detection tests. Journal of Criminal Law and Criminology (1931-1951), 37(6), 542-547.
3. Johnson, J. M. (2019), "Making a Difference with Participatory Democracy: an Alternative Vision of Taking", Qualitative Research to the Public Realm, Qualitative Inquiry.
4. Lacono, William G (2001), Forensic lie Detection: Procedures Without Scientific Basis, journal of Forensic Psychology Practice. 1: 75-86.
5. Greaves, Richard L. (1981). Legal problems. Society and religion in Elizabethan England. Minneapolis, Minnesota: university of Minnesota Press. 649-681.